

جایگاه و اهمیت امنیت اجتماعی در اسلام

حسن فضل^۱

^۱ دانش‌آموخته دکتری الهیات و معارف اسلامی، مدرس مدعو گروه معارف اسلامی مؤسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران

چکیده

امنیت یکی از نیازهای اساسی انسان و حتی سایر موجودات زنده است. جامعه بشری در سایه امنیت است که می‌تواند در راه پیشرفت و ترقی گام بردارد. حتی واژه «مؤمن» از «أمن» گرفته شده و می‌توان گفت در نبود آن، انسان باایمان به سعادت و نیکبختی کامل نمی‌رسد. نویسنده در این مقاله برآنست تا با بررسی و پژوهش در آیات قرآن کریم و احادیث منقول از پیشوایان معصوم (ع) و با روش تحلیلی-توصیفی، رویکرد دین مبین اسلام را درباره امنیت بررسی و تبیین کند. شواهد مورد بررسی بیانگر آن است که آیین اسلام، وجود امنیت را برای بشر لازم می‌داند. حتی در آیاتی از قرآن، نه تنها وجود امنیت را در این دنیا ضروری دانسته بلکه در جهان آخرت آن را از نعمت‌های بهشتی به حساب آورده است. نیز روایات متعددی از پیامبر گرامی اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) و در ادعیه منقول از ایشان در باره جایگاه و اهمیت امنیت و بویژه امنیت اجتماعی صحبت شده است.

واژه‌های کلیدی: امنیت، امنیت اجتماعی، قرآن و امنیت، پیشوایان معصوم (ع) و امنیت

مقدمه

سپاس پروردگاری را که فرمان او مشیت و حکمت و خشنودی او مایه امنیت و رحمت است (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰: ۱۶۰).

یکی از نیازهای غریزی و ضروری بشر، داشتن امنیت و حضور در جامعه‌ای امن است. آدمی بدون وجود امنیت قادر نیست راه تکامل و پیشرفت را طی کند. او طی قرون و اعصار برای برقراری امنیت خود راه‌های فراوان به کار بسته است. به ساختن پناهگاه و خانه روی آورده و در این رهگذر در پی ساخت سلاح و وضع قوانین برآمده است. لذت و حلاوت امنیت به هنگام مصیبت، جنگ و گرفتاری بیشتر آشکار می‌شود. نعمت امنیت را می‌توان یکی از بالاترین نعمت‌های الهی دانست. امنیت در تمامی آیین‌ها و باورهای ملل دارای ارزش و اهمیت است.

در پژوهش پیش رو نویسنده در پی پاسخ به این پرسش است که امنیت چه جایگاهی در اسلام دارد و خداوند متعال در قرآن کریم، و پیشوایان معصوم (ع) درباره امنیت و بویژه امنیت اجتماعی چه دیدگاهی دارند؟ به نظر می‌رسد که اسلام به مثابه دیگر ادیان، به وجود امنیت تأکید دارد چراکه انسان مسلمان در سایه امنیت و سلم، قادر به انجام فرائض الهی و دستورات شریعت مقدس اسلام است تا بتواند بهتر راه سعادت را بییماید. حتی واژه «مؤمن» که جایگاهی بالاتر از مسلم یا مسلمان دارد، از ریشه «أمن» گرفته شده است.

۱. امنیت در لغت

واژه امنیت مصدر صناعی امن است. در فرهنگ‌های گوناگون برای این مصدر، معانی مختلف ذکر شده است که می‌توان به ایمنی، آرامش، آسودگی، بی‌بیمی و ایمن شدن اشاره کرد (دهخدا: ذیل امنیت). معادل انگلیسی کلمه امنیت، peace و security, protection است (نقوی ۱۹۹۲: ذیل امنیت). امنیت انواع گوناگون داشته که می‌توان به امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت سیاسی، امنیت فکری، امنیت معنوی، امنیت فرهنگی، امنیت اقتصادی، امنیت شغلی، امنیت قضایی و امنیت مرزی اشاره کرد.

۲. امنیت اجتماعی در قرآن کریم

در حدود ۸۵۱ آیه از آیات قرآن کریم، ریشه «أمن» به کار رفته است که بیانگر اهمیت موضوع امنیت و الزام تأمین آن برای آدمی است. حتی یکی از نام‌های خداوند متعال، «مؤمن» است که بیانگر ایمنی‌بخشی او است. مؤمن هم ایمن است و هم ایمنی بخش که از اسماء الحسنی است (منصوری لاریجانی، ۱۳۷۹: ۴۹-۴۸). به برخی از این آیات اشاره می‌شود:

«هُوَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ» (حشر/۲۳). اوست خدای یکتایی که غیر از او خدایی نیست. سلطان مقتدر عالم، پاک از هر نقص، منزله از هر عیب و ایمنی بخش است.

امنیت از نعمت‌های بهشتی هست که خداوند به بشر ارزانی کرده است. در قرآن کریم آمده است: «يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ» (دخان/۵۵). از هر نوع میوه که بخواهند برای آنان حاضر و از هر درد و رنج ایمن و آسوده‌اند. همچنین در این باره آمده است: «فَأُولَئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ» (سبأ/۳۷). پس برایشان پاداشی دوجندان است؛ به خاطر کاری که انجام داده‌اند و در غرفه‌های بهشتی در امان و آسوده خاطرنند.

در جای دیگر آمده که چگونه خداوند نعمت امنیت را در این دنیا به حضرت موسی (ع) می‌بخشد: «يَا مُوسَى! أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ» (قصص/۳۱). ای موسی! پیش آی و مترس که تو ایمن خواهی بود.

تعدادی از آیات قرآن کریم به امنیت شهر و جامعه تأکید دارد:

- «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا» (بقره/۱۲۶). و زمانی که ابراهیم (ع) گفت: پروردگارا! این شهر را محل امن و آسایش قرار ده.

- «وَأَوَّلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا» (عنکبوت/۶۷). آیا کافران ندیدند که ما آن شهر را حرم امن و امان قرار دادیم؟

- «وَأَوَّلَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجَبَّى إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا» (قصص/۵۷). آیا ما حرم مکه را برایشان محل آسایش و ایمنی قرار ندادیم تا به این مکان انواع نعمت و ثمرات که روزیشان کردیم از هر طرف بیاورند؟

- «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ» (نحل/۱۱۲). و خداوند به شهری مثل زد که در آن امنیت کامل برقرار بود و اهلیش در آسایش و اطمینان زندگی می‌کردند و از هر جانب روزی فراوان به آنها می‌رسید.

امنیت اجتماعی شامل همه مردم، چه مسلمان و چه غیرمسلمان، می‌شود. در قرآن کریم در این باره آمده است: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ» (توبه/۶). هرگاه یکی از مشرکان به تو پناه آورد، به او پناه ده تا کلام خدا را بشنود و پس از شنیدن سخن خدا، او را بدون هیچ خوفی به محل امنش برسان.

۳. امنیت اجتماعی از دیدگاه پیشوایان معصوم (ع)

معصومان (ع) خود باعث امان و امنیت اهل زمین هستند (نمازی شاهرودی، ۱۴۰۹ق: ۱۸۷). امام زمان (عج) در این باره می‌فرماید: «وَإِنِّي لَأَمَانٌ لِلْأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِلْأَهْلِ السَّمَاءِ» (مجلسی، ج ۵۳: ۱۸۱). همانا من باعث امنیت برای اهل زمینم، همچنان که ستارگان موجب امنیت برای اهل آسمانند.

۱.۳. رسول اکرم(ص) و امنیت

سخن رسول گرامی اسلام (ص) است: «نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ، الصَّحَّةُ وَالْأَمَانُ» (مجلسی، ج ۷۸: ۱۷۰). دو نعمت پوشیده، تندرستی و امنیت هستند.

ایمنی را و تندرستی را
در جهان این دو نعمتی است بزرگ
آدمی شکرکرد، نتواند
داند آن کس که نیک و بد داند

حضرت درباره امنیت و سلامتی انسان می‌فرماید: «الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ نِعْمَتَانِ مَغْبُونٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ» (پاینده، ۱۳۵۶: ش ۱۰۶۳). امنیت و سلامت دو نعمت هستند که بسیاری از مردم آنها را فراموش کرده‌اند.

یکی نکته بشنو چو در، پربها
بشر را دو نعمت بود در جهان
که فرمود احمد، رسول خدا
که پوشیده بر ما بود در جهان
نخستین بود صحت جسم و جان
پس از نعمت تندرستی، امان
«قاسم رسا»

نیز فرموده است: «مَنْ أَصْبَحَ مُعَافًى فِي بَدَنِهِ آمِنًا فِي سِرِّهِ عِنْدَهُ قُوَّةٌ يَوْمَهُ فَكَأَنَّمَا خَيْرٌ لَهُ الدُّنْيَا بِحَذَائِرِهَا» (پاینده، ۱۳۵۶: ش ۲۸۰۳). هرکه تنش سالم است و در جماعت خویش ایمن است و قوت روز خویش دارد، جهان سراسر مال اوست.

مقام امن و می بی‌غش و رفیق شفیق
گرت مدام میسر شود زهی توفیق
«حافظ»

همچنین از ایشان نقل شده است: «أَلَا أَنْبِئُكُمْ لِمَ سُمِّيَ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا؟ لِإِيْمَانِهِ النَّاسَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ. أَلَا أَنْبِئُكُمْ مَنِ الْمُسْلِمُ؟ مَنْ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ يَدِهِ وَلِسَانِهِ» (نمازی شاهرودی، ج ۱، ۱۴۰۹ق، ۱۶۷). آیا می‌خواهید شما را خبر سازم که چرا مؤمن را مؤمن خوانند؟ زیرا که مردم، خود و اموالشان از او ایمن هستند. آیا می‌خواهید که شما را خبر دهم که چه کسی مسلمان است؟ کسی که مردم از دست و زبانش سالم و در امان باشند.

۲.۳. امام علی (ع) و امنیت

۱.۲.۳. لزوم امنیت

امام علی (ع) درباره جایگاه امنیت می‌فرماید: «لَا نِعْمَتَ أَهْنَأُ مِنَ الْأَمْنِ» (آمدی، ۱۳۸۰، ش ۷۴۶۰: ۶۱۴). هیچ نعمتی گوارتر از امنیت نیست. در جای دیگر فرموده است: «رِفَاهِيَةُ الْعَيْشِ فِي الْأَمْنِ» (خوانساری، ج ۴، ۱۳۴۱: ۱۰۱). رفاه زندگانی در امنیت است. همچنین از امام (ع) نقل شده است: «شَرُّ الْبِلَادِ بَلَدٌ لَا أَمْنَ فِيهِ وَلَا خَصْبَ» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹: ۵۳۱ - ۵۳۰). بدترین شهرها، شهری است که در آن امنیت و آبادانی نیست.

۳.۲.۲. اسلام مایه امنیت

آیین اسلام مایه امنیت و آرامش است. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَعَ الْإِسْلَامَ فَسَهَّلَ شَرَائِعَهُ لِمَنْ وَرَدَهُ وَ أَعَزَّ أَرْكَانَهُ عَلَى مَنْ غَالَبَهُ فَجَعَلَهُ أَمْنًا لِمَنْ عَلِقَهُ وَ سِلْمًا لِمَنْ دَخَلَهُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۶: ۹۸). سپاس خدای را که راه اسلام را گشود و درآمدن به آبشخورهای آن را بر تشنگان آن آسان نمود و ارکان آن را استوار ساخت تا کس با آن چیرگی نتواند و نستیزد و آن را امانی ساخت برای کسی که بدان درآویزد و آرامش بر آن که در آن درآید.

۳.۲.۳. صلح، مقدمه امنیت اجتماعی

امام (ع) صلح را سرچشمه امنیت و آسایش جامعه می‌داند: «وَلَا تَدْفَعَنَّ صَلْحًا دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوُّكَ وَلِلَّهِ فِيهِ رِضَىٰ فَإِنَّ فِي الصُّلْحِ دَعَا لِحُجُودِكَ وَ رَاحَةً مِنْ هُمُومِكَ وَ أَمْنًا لِبِلَادِكَ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۳۳۸). و از صلحی که دشمن تو را بدان خواند و رضای خدا در آن بود روی متاب که آشتی، سربازان تو را آسایش رساند و از اندوه‌هایت برهاند و شهرهایت ایمن ماند.

۳.۳. امام علی بن الحسین (ع) و امنیت

امام زین العابدین (ع) در دعا‌های صحیفه سجادیه بارها به مسأله امنیت اشاره می‌کند. ایشان در فرازهایی از دعا‌هایشان از خداوند متعال امنیت و سلامتی را درخواست می‌کند:

- «وَأَبْدِلْنِي . . . مِنْ مَرَارَةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةَ الْأَمْنَةِ» (فاضل حسینی میلانی، ۱۴۰۵ق، ش ۲۰) خداوندا! به جای

تلخی بیم ستمکاران، از شیرینی آرامش و امنیت برخوردار ساز.

- «وَأَمِّنْ عَلَيَّ بِالصَّحَّةِ وَالْأَمْنِ وَالسَّلَامَةِ فِي دِينِي وَبَدَنِي» (فاضل حسینی میلانی، ۱۴۰۵ق، ش ۲۳). [خدایا] به من تندرستی و امنیت و سلامت دین و بدن عطا کن.

- «وَوَجِّهْنِي فِي مَسَالِكِ الْأَمْنِينَ» (فاضل حسینی میلانی، ۱۴۰۵ق، ش ۴۱). خداوندا! مرا در راه‌های افراد ایمن قرار ده.

امام سجاد (ع) در دعای مرزداران از ذات باری تعالی، عدم امنیت دشمنان را خواستار می‌شود: «اللَّهُمَّ أَخْلِ قُلُوبَهُمْ مِنَ الْأَمْنَةِ وَ أَبْدَانَهُمْ مِنَ الْقُوَّةِ» (فاضل حسینی میلانی، ۱۴۰۵ق، ش ۲۷). خداوندا! دل‌هایشان را از ایمنی و بدن‌هایشان را از توانایی تهی کن.

۴. امنیت غیرمسلمان

بر حاکم جامعه اسلامی لازم است که سلامتی و امنیت همه را، مؤمن یا مشرک، تضمین کند. ذات باری در این باره به پیامبرش می‌فرماید: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ» (توبه/۶). هرگاه یکی از

مشرکان به تو پناه آورد، به او پناه ده تا کلام خدا را بشنود و پس از شنیدن سخن خدا، او را [بدون هیچ خوفی] به محل امنش برسان.

امام علی (ع) زمانی که گروهی از سپاه معاویه به شهر انبار یورش برده و به غارت اموال مسلمانان و غیرمسلمانان پرداخته بودند، بسیار متأسف و متأثر می‌شود؛ چرا که غیرمسلمانان بسان مسلمانان در سایه امنیت و حمایت مسلمانان بوده‌اند: «وَهَذَا أَخُو غَامِدٍ قَدْ وَرَدَتْ خَيْلُهُ الْأَنْبَارَ وَ قَدْ قَتَلَ حَسَّانَ بْنَ حَسَّانَ الْبَكْرِيَّ وَ أزالَ خَيْلُكُمْ عَنْ مَسَالِحِهَا وَ لَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَ الْأُخْرَى الْمُعَاهِدَةَ فَيَنْتَزِعُ حِجْلَهَا وَ قُلْبَهَا وَ فَلَائِدَهَا وَ رِعَائِهَا. مَا تَمْتَنِعُ مِنْهُ إِلَّا بِأَلْسِنَةِ رَجَاعٍ وَ الْإِسْتِرْحَامِ ثُمَّ أَنْصَرَفُوا وَافِرِينَ مَا نَالَ رَجُلًا مِنْهُمْ كَلَمٌ وَ لَا أُرِيقَ لَهُمْ دَمٌ فَلَوْ أَنَّ امْرَأَةً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسَفًا مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا بَلْ كَانَ بِهِ عِنْدِي جَدِيرًا» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷: ۲۷). اکنون سربازان این مرد غامدی به انبار درآمده و حسان پسر حسان بکری را کشته و مرزبانان را از جایگاه‌های خویش رانده‌اند. شنیده‌ام مهاجم به خانه‌های مسلمانان و کسانی که در پناه اسلامند درآمده، گردن‌بند، دستبند، گوشواره و خلخال از گردن و دست و پای زنان به در می‌کرده است. در حالی که آن ستمدیدگان برابر آن متجاوزان جز زاری و رحمت خواستن سلاحی نداشته‌اند. سپس غارتگران پشتواره‌ها از مال مسلمانان بسته، نه کشته‌ای بر جای نهاده و نه خسته، به شهر خود بازگشته‌اند. اگر از این پس مرد مسلمانی از غم چنین حادثه بمیرد چه جای ملامت است که در دیده من شایسته چنین کرامت است.

از سخنان امیر المؤمنین علی (ع) است: «مَنْ ائْتَمَنَ رَجُلًا عَلَى دَمِهِ ثُمَّ خَاسَ بِهِ فَإِنَّا مِنَ الْقَاتِلِ بَرِيءٌ وَ إِن كَانَ الْمَقْتُولُ فِي النَّارِ» (عقیدتی سیاسی ارتش، ۱۳۶۳: ۲۸). هرگاه شخصی دیگری را امان دهد سپس او را به قتل برساند، من از قاتل بیزارم هرچند مقتول اهل آتش جهنم باشد.

۵. وظایف زمامداران در تأمین امنیت

چو عدل او باشد، آن جایگاه نباشد جور چو امن او باشد، آن جایگاه نیست هراس

«منوچهری»

از مهمترین وظایف حاکمان و زمامداران آن است که برای مردم در بخش‌های گوناگون فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اعتقادی امنیت فراهم کنند و بگونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که همگان و نه گروهی خاص، به رفاه و آسایش برسند و در این اقدام، مستضعفان و ستمدیدگان از حقوق انسانی لازم برخوردار شوند (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۱۴۶). در این باره امام علی (ع) می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ وَ لَا ائْتِمَاسَ شَيْءٍ مِنْ فُضُولِ الْحُطَامِ وَ لَكِنْ لِنَرْدِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ وَ تَطْهِرِ الْأَصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ. فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تَقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱: ۱۲۹). خدایا تو می‌دانی آنچه از ما رفت نه به خاطر رغبت در قدرت بود و نه از دنیای ناچیز، خواستن زیادت، بلکه می‌خواستیم

نشانه‌های دین را به جایی که بود بنشانیم و اصلاح را در شهرهایت ظاهر گردانیم تا بندگان ستم‌دیده‌ات را ایمنی فراهم آید و حدود ضایع مانده‌ات اجرا گردد.

امیر مؤمنان حتی کسانی را مانند سعد بن ابی وقاص و عبدالله بن عمر که با او بیعت نکردند، آزاد گذاشت و امنیت ایشان را تضمین کرد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۸۱) امام (ع) در راه فراهم کردن امنیت اجتماعی و سیاسی، هر نوع خودکامگی در عرصه حکومت را تقبیح کرد و فضایی آکنده از امنیت را در مناسبات حکومتی فراهم نمود تا مردم براحتی به بیان خواسته‌هایشان بپردازند: «فَلَا تُكَلِّمُونِي بِمَا تُكَلِّمُ بِهِ الْجَبَابِرَةَ وَلَا تَحْفَظُوا مِنِّي بِمَا يُتَحَفَّظُ بِهِ عِنْدَ أَهْلِ الْبَادِرَةِ وَلَا تُخَالِطُونِي بِالْمُصَانَعَةِ وَلَا تَتَنَبَّهُوا بِي اسْتِثْقَالًا فِي حَقِّ قِيلَ لِي وَلَا التَّمَسَّاسَ إِعْظَامَ لِنَفْسِي. فَإِنَّهُ مِنْ اسْتِثْقَالِ الْحَقِّ أَنْ يُقَالَ لَهُ أَوْ الْعَدْلَ أَنْ يُعْرَضَ عَلَيْهِ كَانَ الْعَمَلُ بِهِمَا أَثْقَلَ عَلَيْهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶: ۲۵۰). پس با من چنانکه با سرکشان گویند، سخن مگویند و چونان که با تیزخویان کنند، از من کناره مجویند و با ظاهر آرای آمیزش مدارید و شنیدن حق را بر من سنگین مپندارید و نخواهم که مرا بزرگ انگارید. چه آن کس که شنیدن سخن حق بر او گران افتد و اجرای عدالت بر وی دشوار بود، کار به حق و عدالت کردن بر او دشوارتر است.

از دیگر وظایف زمامدار و حاکم تأمین امنیت راه‌های کشور است که در سخنان امام علی (ع) این مسأله مورد تأکید است: «وَأَنَّ لَابَدَ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي أَمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ وَيَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْكَافِرُ وَيَبْلُغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ وَيَجْمَعُ بِهِ الْفِيءَ وَيُقَاتِلُ بِهِ الْعَدُوَّ وَتَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ» (نهج البلاغه، خطبه ۴۰: ۳۹). حالی که مردم را حاکمی باید نیکوکردار یا تبه‌کار تا در حکومت او مرد با ایمان کار خویش کند و کافر بهره خود برد تا آنگاه که وعده حق سر رسد و مدت هر دو در رسد، در سایه حکومت او مال دیوانی را فراهم آورند و با دشمنان پیکار کنند و راه‌ها را ایمن سازند.

۶. نقش نیروهای مسلح در امنیت اجتماعی

جامعه زمانی می‌تواند در جهت پیشرفت و ترقی گام بردارد و به هدف‌های مادی و معنوی برسد که در آرامش و امنیت کامل باشد. این آرامش و امنیت امکان پذیر نیست جز اینکه نیروهای مسلحی بر مبنای آیین حق داشته باشد (عقیدتی سیاسی ارتش، ۱۳۶۳: ۳۹). امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ وَزَيْنُ الْوَلَاةِ وَعِزُّ الدِّينِ وَ سُبُلُ الْأَمْنِ وَ لَيْسَ تَقْوَمُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۳۳۰-۳۲۹). پس سپاهیان به فرمان خدا، رعیت را دژهای استوارند و والیان را زینت و وقار. دین به آنان ارجمند است و راه‌ها بی‌گزند و کار رعیت جز با سپاهیان قرار نگیرد.

امام سجاد(ع) نیز درباره نیروهای مسلحی که مسؤولیت مرزبانی و امنیت جامعه را بر عهده دارند چنین می‌فرماید: «پروردگارا! مرزبانان اسلام را از تمامی دشمنان در پناه خود مصون و محفوظ بدار؛ آنان را در ایفای وظایفی که بر عهده دارند، حمایت کن؛ عطایا و مواهب خود را درباره آنان تکمیل فرما؛ بر شمار سربازان ما که از مرزهای ما پاس می‌دارند، بیفزای؛ حربه آنان را بر ضد دشمنان کارگر کن؛ سنگرهایشان را از آسیب شکست در امان گیر؛ جمعیتشان را به هنگام دفاع از پریشانی ایمن ساز و به تدبیر خویش، صفوفشان را به هم بپیوند» (فاضل حسینی میلانی، ۱۴۰۵ق، ش ۲۷).

۷. امنیت در سایه نزدیک‌بودن مردم

یکی از اسباب امنیت در جامعه، اختلاط و نزدیک‌شدن مردم با یکدیگر است. امیر بیان علی(ع) در این باره می‌فرماید: «مُقَارَبَةُ النَّاسِ فِي اخْلَاقِهِمْ اَمْنٌ مِنْ غَوَائِلِهِمْ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۰۱: ۴۳۳). آمیزگاری با مردم باعث ایمن‌شدن از گزند آنها است.

۸. دعا برای امنیت

در بررسی دعا‌های وارده در می‌یابیم که برای خداوند متعال، نام‌ها و صفتهایی ذکر شده که بیانگر فریادرسی و امنیت‌بخشی ذات حق برای عامه مردم است. واژگان و عبارت‌های «غیاث المُسْتَغِيثِينَ»، «جَارِ المُسْتَجِيرِينَ»، «مِفْتَاحِ الْاَبْوَابِ»، «مُجِيبِ الدَّعَوَاتِ» و «مُسَبِّبِ الْاَسْبَابِ» از این جمله هستند. بنده خاکسار به درگاه حضرت باری انابه می‌کند و از او تقاضای اجابت خواسته‌هایش را دارد چرا که تنها او را قادر متعال می‌داند و امنیت‌بخشی از این نیازهاست. در کتب ادعیه همچون مفاتیح الجنان دعا‌هایی مانند دعای ایمنی از بلا و دعای امان به چشم می‌خورد؛ حتی حرزهایی برای تأمین سلامتی و امنیت از طرف امامان معصوم (ع) بیان و سفارش شده که می‌توان به حرز امام جواد (ع) اشاره کرد.

در دعای رجبیه می‌خوانیم: «يَا مَنْ اَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَ اَمِنْ سَخَطُهُ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ» (قمی، عباس: دعای رجبیه). ای کسی که برای هر کار خیری به او امید دارم و از خشم او هنگام هر بدی ایمن هستم.

از امام صادق (ع) نقل شده است که ابوذر غفاری دعایی می‌خواند که نزد مردم معروف شده بود: «اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ الْاَمْنَ وَالْاِيْمَانَ [يَا] وَالتَّصَدِيقَ بِنَبِيِّكَ وَالْعَافِيَةَ مِنْ جَمِيعِ الْاَبْلَاءِ وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ وَ الْغِنَى عَنْ شِرَارِ النَّاسِ» (کلینی رازی، ج ۴، بی‌تا: ۳۸۱). خداوندا! من از تو امنیت، ایمان، گواهی به پیامبرت، سلامتی در تمام مصیبت‌ها، سپاسگزاری به خاطر تندرستی، و بی‌نیازی از مردمان شرور را خواستارم. همچنین از امام صادق (ع) دعایی نقل شده است که بر خواندن آن در هر صبح و شام

تأکید فرموده‌اند که فرازی از آن عبارت است از: «اللَّهُمَّ اخْتِمْ لِي بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ كُلَّمَا طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ» (کلینی رازی، ج ۴، بی تا: ۳۰۲). بار خدایا! هرگاه خورشید بیرون آید و هرگاه پنهان شود [آن روز] را برای من به امنیت و ایمان به پایان رسان.

نتیجه‌گیری

امنیت ضرورتی انکارناپذیر برای همه بشر و مخلوقات زنده خداوند است. بی تردید انسان بدون این نعمت قادر به دستیابی به اهداف خود نیست. با تدبر در آیات کلام الله مجید و بررسی احادیث معصومین (ع) درمی‌یابیم که امنیت فردی و اجتماعی در اسلام جایگاه ویژه و ارزشمندی دارد. این مسأله در متون اسلامب مورد تأکید بوده است حتی در آیین اسلام امنیت از نعمت‌های دنیوی و اخروی شمرده می‌شود و حاکمان مسلمان نه تنها بایستی امنیت رعایای مسلمان را تأمین کنند بلکه باید در تأمین امنیت غیرمسلمانان که در حوزه حاکمیت آنها هستند هم سعی نمایند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۰)، *غررالحکم و درر الکلم*، ترجمه محمدعلی انصاری، قم، انتشارات امام عصر (عج)، چاپ اول.
۳. احمدی بیرجندی، احمد (۱۳۷۴)، *شعر در زندگی*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۴. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۵۶)، *نهج الفصاحه*، تهران، انتشارات جاویدان.
۵. خوانساری، جمال‌الدین (۱۳۴۱)، *شرح غرر الحکم و درر الکلم*، مقدمه، تصحیح و تعلیق میرجلال‌الدین حسینی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول.
۶. درایتی، مصطفی (۱۳۷۷)، *نمایه‌نامه موضوعی صحیفه سجادیه*، مشهد، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، چاپ اول.
۷. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۷)، *حکومت حکمت*، تهران، انتشارات خانه اندیشه جوان، چاپ اول.
۸. ————— (۱۳۷۷)، *دولت آفتاب*، تهران، انتشارات خانه اندیشه جوان، چاپ اول.
۹. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۵)، *لغت‌نامه*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. سید رضی (۱۳۷۶)، *نهج البلاغه*، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دهم.
۱۱. علی‌بن‌الحسین (ع) (۱۴۰۵ق)، *صحیفه سجادیه*، ترجمه فاضل حسینی میلانی، مشهد، انتشارات تراث اهل البیت.
۱۲. عبدالباقی، محمدفؤاد (بی تا)، *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن کریم*، تهران، انتشارات اسماعیلیان.
۱۳. عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۳)، *درس‌هایی از نظام دفاعی/اسلام*، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. قمی، عباس (بی تا)، *مفاتیح الجنان*، مشهد، انتشارات ولی عصر.
۱۵. کلانتری، الیاس (۱۳۶۳)، *المعجم المفهرس لالفاظ اصول کافی*، تهران، انتشارات کعبه، چاپ اول.

۱۶. کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب ابن اسحاق (بی تا)، *اصول کافی*، ترجمه سید هاشم رسولی، تهران، بی تا.
۱۷. مجلسی، محمد تقی (بی تا)، *بحار الانوار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. محدث، سید جلال الدین (۱۳۶۱)، *شرح فارسی غرر و درر آمدی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۱۹. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۹)، *سیاست نامه امام علی (ع)*، ترجمه مهدی مهریزی، بی جا، دار الحدیث، چاپ اول.
۲۰. منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۷۹)، *کارآمدی سیاست دفاعی از دیدگاه مقام معظم رهبری*، بی جا، انتشارات آیه، چاپ اول.
۲۱. نقوی، سید خادم حسین (۱۹۹۲م)، *فرهنگ اصطلاحات اسلامی (فارسی - انگلیسی)*، قم، انتشارات انصاریان.
۲۲. نمازی شاهرودی، علی (۱۴۰۹ق)، *مستدرک سفینه البحار*، تهران، انتشارات بعثت، چاپ اول.